

قنّه در گفتن اسلامی

مطالعه تحلیلی مفهوم فتنه در گفتن شیعه و تشیع

تألیف

سید محمد موسوی

انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
تهران: بزرگراه شهید چمران،
پل مدیریت
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵
E-mail: isu.press@yahoo.com
فروشگاه اینترنتی:
www.ketabesadiq.ir



کتابسادیق

فتنه در گفتمان اسلامی: بررسی تحلیلی، دوم فتنه در گفتمان تسنن و تشیع ■ تألیف: سید محمد موسوی
ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ چاپ اول: ۱۳۹۴ ■ قیمت: ۱۶۰۰۰ ریال ■ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: هوشمند ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۴۱۹-۵

همه حقوق محفوظ. حقوق به ناشر است.

سرشناسه: موسوی، محمد، ۱۳۶۰-
عنوان و نام پدیدآور: فتنه در گفتمان اسلامی: بررسی تحلیلی، مفهوم فتنه
در گفتمان تسنن و تشیع / تألیف سید محمد موسوی
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری: ۲۵۴ ص.
قیمت: ۱۶۰۰۰ ریال، شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۴۱۹-۵
موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.، نه -
فتنه و فتنه‌انگیزی
موضوع: فتنه و فتنه‌انگیزی - جنبه‌های مذهبی - اسلام
موضوع: اسلام - تاریخ
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۳۸۰۰۸

فهرست مطالب

سخن نامه	۱۱
مقدمه	۱۳
بخش اول: فتنه در گفتمان اهل سنت	۲۵
فصل ۱. کلیات	۲۷
۱-۱. اهمیت و تقسیم‌بندی	۲۷
۱-۱-۱. اهمیت فتنه در گفتمان اهل سنت	۲۷
۱-۱-۲. تقسیم‌بندی دوره‌های مورد بررسی در فتنه در گفتمان اهل سنت	۳۰
۲-۱. اخبار و روایات فتنه در گفتمان اهل سنت	۳۱
۳-۱. فتنه در گفتمان سیاسی اهل سنت	۳۵
۱-۳-۱. برنارد لولیس: فهم فتنه در بستر تاریخی و تطورات آن	۳۶
۲-۳-۱. جان اسپوزیتو: در جستجوی مفهوم اپوزیسیون در میراث اسلامی	۳۸
فصل ۲. معنای فتنه در گفتمان اهل سنت	۴۳
مقدمه	۴۳
۱-۲. فتنه به معنای نبود حاکم	۴۵
۱-۱-۲. شرایط پیشگیری	۴۷
۲-۱-۲. شرایط وقوع	۴۸
۲-۲. فتنه به معنای خروج	۵۰

۵۲.....	۱-۲-۲. فتنه در معنای خروج: گرایش نظامی
۵۷.....	۲-۲-۲. فتنه در معنای خروج: گرایش فکری
۶۱.....	فصل ۳. چارچوب تحلیلی فهم معنا و کاربرد فتنه در گفتمان اهل سنت
۶۱.....	مقدمه
۶۴.....	۱-۳. جماعت
۶۷.....	۱-۱-۳. شکل‌گیری مفهوم «جماعت» در گفتمان اهل سنت
۷۱.....	۲-۱-۳. الگوی جاودانی «جماعت» در گفتمان اهل سنت
۷۱.....	۳-۱-۳. تبعات پذیرش «جماعت» در گفتمان اهل سنت
۷۱.....	الف. طاعت و جماعت
۷۳.....	ب. بیعت، انحصار بیعت، فتنه
۷۶.....	۲-۳. مفهوم مصاحبت
۸۳.....	فصل ۴. دوران خلافت
۸۳.....	مقدمه
۸۴.....	۱-۴. خلافت ابوبکر: عصر گذر از فتنه‌ها
۸۹.....	۲-۴. خلافت عمر: عصر خاموشی فتنه‌ها
۹۶.....	۳-۴. خلافت عثمان: عصر آغاز فتنه‌ها
۹۹.....	۴-۴. خلافت امام علی (علیه السلام): عصر فتنه‌ها
۱۱۳.....	فصل ۵. عصر سلطنت: تثبیت معنایی مدل فتنه در گفتمان اهل سنت
۱۱۳.....	۱-۵. عصر سلطنت: امویان و عباسیان
۱۱۸.....	۲-۵. بررسی دو شاهد تاریخی از دوره سلطنت
۱۱۸.....	۱-۲-۵. شهادت حجر بن عدی
۱۲۰.....	۲-۲-۵. شهادت حسین بن علی (علیه السلام)
۱۲۳.....	۳-۵. شکل‌گیری نظریه «فتنه» در گفتمان اهل سنت
۱۲۳.....	۱-۳-۵. وجوه اهمیت عبدالله بن عمر در گفتمان اهل سنت
۱۲۴.....	۲-۳-۵. سیره عبدالله بن عمر
۱۲۶.....	۳-۳-۵. اصول فکری عبدالله بن عمر
۱۲۹.....	فصل ۶. مدل فتنه در گفتمان اهل سنت
۱۲۹.....	مقدمه

۱-۶. اصول مدل فتنه	۱۳۰
۲-۶. بررسی کارکرد مدل فتنه در مطالعه تاریخ اسلام	۱۳۳
بخش دوم: قندهار کتمان شیعی: (با تأکید بر عصر علوی)	۱۳۹
فصل ۷. کلیات	۱۴۱
مقدمه	۱۴۱
۱-۷. بررسی منابع روایی شیعی با حساسیت به مفهوم فتنه	۱۴۲
۱-۱-۱. آثار الملاحم در سنت روایی شیعی	۱۴۴
۲-۱-۲. تفاوت آثار شیعی و سنی در خصوص مسئله فتنه	۱۴۵
الف. بررسی آثار فقهی - روایی	۱۴۵
ب. بررسی متون تاریخی	۱۴۸
۲-۷. دسته‌بندی منابع روایی شیعی بر اساس اهمیت مفهوم فتنه	۱۵۲
۳-۷. بررسی باب «فتنه» در میزان الحکمه	۱۵۵
۴-۷. محدوده مطالعه ما در فتنه	۱۵۶
۵-۷. بسامد روایات فتنه در منابع شیعی	۱۵۷
۶-۷. ادبیات امام علی (علیه السلام) در مورد فتنه	۱۶۰
۱-۶-۷. فضای فتنه	۱۶۰
۲-۶-۷. نوع تشبیهات	۱۶۲
۳-۶-۷. هم‌نشینی و ارتباط با دیگر واژه‌ها	۱۶۳
فصل ۸. بررسی خطبه‌های نهج البلاغه با حساسیت به واژه «مهرم فتنه»	۱۶۵
مقدمه	۱۶۵
۱-۸. تقسیم‌بندی خطبه‌های نهج البلاغه بر اساس مفهوم فتنه	۱۶۷
۱-۱-۸. شرایط جامعه قبل از وقوع فتنه	۱۶۸
الف. سطح درونی‌تر: سطح روحی و معنوی	۱۶۹
ب. سطح بیرونی‌تر: ساختار و نوع کنش‌های اجتماعی در جامعه اسلامی	۱۷۵
۲-۱-۸. شرایط جامعه پس از حاکم شدن فتنه	۱۸۲
الف. توصیف عصر جاهلیت در ارتباط با مفهوم فتنه	۱۸۴
ب. فضای کلی و نمادین تبلور فتنه‌ها در جامعه	۱۸۶

۱۸۷	ج. وقایع تاریخی.....
۱۸۹	۸-۱-۳. شرایط جامعه پس از افول فتنه.....
۱۹۱	فصل ۹. چارچوب تحلیلی فهم معنای فتنه در گفتمان نهج البلاغه.....
۱۹۱	مقدمه.....
۱۹۲	۹-۱. فتنه به منزله سستی الهی.....
۱۹۲	۹-۱-۱. چیستی و کارکرد سنت.....
۱۹۹	۹-۱-۲. کارکرد فتنه به منزله سستی الهی.....
۲۰۴	۹-۳. در فتنه چه چیزی امتحان می‌شود و چرا؟.....
۲۰۸	۹-۲. جایگاه امام علی (علیه السلام) در گفتمان تشیع.....
۲۱۱	۹-۲-۱. امام علی (علیه السلام) محنه امت اسلامی.....
۲۱۴	۹-۳. فلسفه تألیف تشیع.....
۲۲۵	فصل ۱۰. سامانه «نهج» فتنه در گفتمان نهج البلاغه.....
۲۲۵	مقدمه.....
۲۲۸	۱۰-۱. ویژگی‌های سامانه مفهوم فتنه.....
۲۳۱	۱۰-۲. ابعاد سامانه مفهومی فتنه.....
۲۳۵	۱۰-۲-۱. فتنه - جاهلیت (بعد فرهنگی).....
۲۳۹	الف. معنا و مفهوم جاهلیت.....
۲۴۱	ب. مدل ایزوتسو در تبیین مفهوم جاهلیت.....
۲۴۴	ج. بازخوانی خطبه قاصعه بر اساس الگوی ایزوتسو.....
۲۵۲	۱۰-۲-۲. فتنه - بدعت و شبهه (بعد دینی).....
۲۵۴	الف. بدعت: بررسی لغوی و مصطلح.....
۲۵۵	ب. بدعت: بررسی تاریخی مفهوم بدعت.....
۲۵۷	ج. اهمیت بدعت در گفتمان امام علی (علیه السلام).....
۲۶۰	د. ارتباط فتنه و بدعت - شبهه.....
۲۶۴	هـ. جمع‌بندی فتنه/ بدعت - شبهه.....
۲۶۶	۱۰-۲-۳. فتنه - جماعت و تفرقه (بعد اجتماعی - سیاسی).....
۲۷۵	فصل ۱۱. فتنه و امویان.....
۲۷۵	مقدمه.....

۱۱-۱. جاهلیت و فتنه امویان.....	۲۷۶
۱۱-۱-۱. امویان و جاهلیت: تحلیل معناشناختی.....	۲۷۶
۱۱-۱-۲. امویان و تاریخ جاهلی.....	۲۷۸
۱۱-۱-۳. امویان: بازتعریف گفتمان جاهلی در گفتمان الوهی.....	۲۷۹
۱۱-۲. ویژگی‌های فتنه بنی‌امیه.....	۲۸۳
۱۱-۳. تقابل امام (علیه السلام) با فتنه امویان.....	۲۸۶
فصل ۱۲. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۲۹۳
پیوست ۱.....	۳۰۹
پیوست شماره ۱: اختلافات فرق مختلف در خصوص جنگ جمل.....	۳۰۹
پیوست شماره ۲: روایت طبری و یعقوبی از شهادت حجر بن عدی و یارانش.....	۳۱۱
منابع و مأخذ.....	۳۱۷
نمایه.....	۳۳۵

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
 وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
 (قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می توان مترادف محلی یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می یابد. زیرا «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و متزلزل می سازد.

از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهره مندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب می آیند و نمی توان آینده درخشانی را بدون توانایی های

علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمد، محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش هر جانب‌داران، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در سوره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه، مقطع زمانی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده است. هیچ این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک باستان‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طریقی نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

امروزه واژه «فتنه» به یکی از معمول‌ترین و پرکاربردترین کلمات در ادبیات سیاسی کشور مبتلا شده است. در مقالات و تیتُر روزنامه‌های برخی جریان‌های سیاسی کشور به‌رر مداوم تکرار می‌شود و دارای بار معنایی خاصی است، که ارجاعی است به تحولات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸؛ این موضوع تا این مرحله شاید در حد «موضوع» بماند و به‌مثابه کلیدواژه‌ای پُر کاربرد در فضای ژورنالیستی جریان‌اتی خاص، تلقی شود. اما این «موضوع» زمانی به «مسئله» ای قابل تأمل مبدل می‌شود که «فتنه» در ادبیات سطوح بالای حاکمیت به‌طور جدی به‌کار گرفته می‌شود و مبتنی بر فهمی که از آن وجود دارد، می‌تواند بستری برای بحث‌گیری‌ها به‌منظور شکل‌دهی به سیاست‌های کشور باشد.

در بررسی مسئله فتنه، تاکنون آثار زیادی به طبع رسیده است. این کتاب گرفته تا پایان‌نامه در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد و مقاله، می‌توان این آثار را با توجه به تاریخ انتشارشان به دو مقطع قبل و بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ تقسیم نمود. وجه افتراق این آثار در این دو مقطع، تأکید بر مفاهیم سیاسی در فهم فتنه در آثار پس از انتخابات ۱۳۸۸ است. به این معنا که آثار منتشر شده پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ - که از نظر حجم و

کمیت چندین برابر آثار منتشر شده در قبل از انتخابات ۱۳۸۸ است - متأثر از رخدادهای پیش آمده، اگرچه بنابر نوع سبک حکومت‌ورزی در کشور - دینی - در بستری دینی به صورت بندی آن پرداخته‌اند، اما از سوگیری سیاسی جدی‌ای نیز برخوردار است. تا جایی که می‌توان گفت نگاه سیاسی به فتنه، نسبت به نگاه دینی - عقیدتی غلبه یافته است. و از سوی دیگر جریانات اپوزیسیونی که مورد خطاب اصلی مفهوم فتنه هستند نیز در سئوآت عمیق نظاره‌گر هستند. این نوع استفاده از یک مفهوم دینی - عقیدتی در گفتمان سیاسی به هیچ روی به خودی خود، مسئله‌ای ناپسند و منفی نیست، اما ناکید بر آن است که وجوه دیگری از فهم فتنه در گفتمان اسلامی را نادیده بگیرد که به حاشیه رانده شده‌اند. این مطلب اخیر احتمالاً به خوبی نشان می‌دهد که با کتابی سیاسی که تحولات سیاسی روز را بررسی کند روبرو نخواهید شد. بلکه مطالعه‌ای است مفهومی و تحلیلی که در متون تاریخی به جستجو در خصوص مسئله فتنه می‌پردازد. این مطالعه پژوهشی است تاریخی، اما نه به معنای آنکه از اسناد تاریخی را گرد هم آورده و با ارجاعات مکرر و خسته‌کننده به منابع تاریخی، قصد ارائه گزارشی تفصیلی را داشته باشد. و البته به یک معنای دیگر به این کتاب تاریخی - سیاسی نیست: به هیچ روی در پی ارتباط برقرار کردن میان قایع تاریخی گذشته با تحولات امروزی نیست و اساساً این شیوه بسیار مداری که در بحث فتنه نیز بسیار فراگیر است را دارای خطاهای جدی روشی - سطحی می‌داند. این اثر تاریخ را به مثابه «گفتمان» می‌کاود که به منزله یک «حوزه قدرت» فهمیده می‌شود. «مجموعه‌ای از شیوه‌های سازمان‌دهی گذشته به وسیله و برای طرف‌های ذی‌نفع که همیشه از جایی می‌آید و در راستای هدفی حرکت می‌کند... این حوزه «حوزه قدرت» است زیرا این مسیرها در درون آن رقابتی‌اند (باید برایشان جنگید). حوزه‌ای است که به صورت‌های متنوع چیزها را در خود می‌گنجاند و یا از خود خارج می‌کند، چشم‌اندازهای گذشته را به شیوه‌هایی و تا حدودی تمرکز می‌دهد و به حاشیه می‌راند که

قدرت‌های کسانی را که آن‌ها را اعمال می‌کنند تجزیه می‌کند. بنابراین کاربرد واژه «گفتمان»، حاکی از آن است که ما می‌دانیم تاریخ هرگز به خودی خود نیست، هرگز بی‌غرضانه گفته یا خوانده (بیان، ابراز، ابلاغ) نمی‌شود بلکه همیشه برای کسی است» (جنکینز، ۱۳۸۴: ۱۲۳). و با این توضیح لازم به گفتن نیست که تاریخ‌نگاری ما در این اثر نیز مستثنی از این قاعده نمی‌باشد.

در این بین یک وجه اشتراک جدی نیز وجود دارد و آن هم‌گرایی در فهم فتنه با گفتمان اهل سنت است. همین مسئله اخیر است که موضوع مطالعه ما را سبب اهیت می‌نماید چرا که در این بازاندیشی تاریخی به تحدید ابعد گفتار تشیع و تسنن در تلقی از فتنه پرداخته شده است. البته توجه به این مفرات در گفتمان اهل سنت تا آن‌جا که ما در فضای فارسی بررسی کرده‌ایم، جز بر آثار اسلام‌شناسان غربی، آن‌هم به‌طور مختصر، سابقه‌ای جدی ندارد.

این مطالعه در آغاز در پی بررسی و به‌یادآوردن فتنه در نهج البلاغه بود و در صدد به‌دست آوردن مختصات این مفردم در گفتار امام علی (علیه السلام) تورقی ساده در خطبه‌های نهج البلاغه به‌خوبی نشان داد که کاربرد زیاد این واژه در خلال خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های ایشان است. این مسئله جایبی مهم‌تر می‌شود که در مقاطع حساس دوران امامت حضرت، به‌نام کاربرد این واژه بیشتر می‌شود، مقاطعی نظیر جنگ‌های جمل، صفین و نهروان. جنگ جمل در نوع خود مسئله‌ای تازه را مطرح می‌کرد که پیش از آن در میان مسلمانان سابقه‌ای نداشت، صف‌آرایی دو گروه از مسلمانان در مقابل هم. البته این گزاره تا موقعی استوار است که بتوان مقطع جنگ‌های رده در زمان خلیفه اول را صرفاً مواجهه مسلمانان با غیر مسلمانان دانست که این مسئله هم قابل تأمل است و هم متون تاریخی نسبت به آن سکوت کرده‌اند. به هر روی تا پیش از جمل، صفوف مسلمانان در مقابل صفوف کفار، و مخالفان اسلام قرار می‌گرفت که بنابر آموزه‌های قرآن و سیره نبوی

وظیفه هر فرد مسلمان مشخص بود. اما در جمل، و اینکه در این رویارویی جدید چه باید کرد؟ یکی از پر چالش‌ترین مناقشات فکری - عملی تاریخ اسلام را رقم زد.

جمل در واقع نتیجه‌ای بود که قتل خلیفه سوم در پی داشت. پس از قتل وی که آن هم مسئله‌ای متناقض نما می‌نمود، چند جریان خاص در جامعه مسلمانان حوزه فکر و عمل خویش را از هم متمایز نمودند. قتل عثمان از آن روست متناقض نما بود که خلیفه نه توسط فردی غیر مسلمان که به دست مسلمانانی که از سراسر سرزمین‌های عربی - اسلامی در مدینه گرد آمده بودند، به قتل رسید. این در حالی بود که پیش از این خلیفه دوم نیز کشته شده بود، البته توسط فردی مسلمان که با تلقی خارجی و غیر مسلمان بودن قاتل، چنین شبهه‌ای به وجود نمی‌آمد. این جریان‌های خاص عبارت بودند از: مدینه با محوریت امام علی (علیه السلام)، شام با محوریت معاویه، بصره با محوریت طلحه و زبیر و جریان چارم - میان اعتزال‌گرا با محوریت برخی از صحابه. اینکه این چهار جریان را با عناوین دیگر نظیر ناکثین و ... - که مشخصه نام‌گذاری گفتمان تشیع است - معرفی نکردیم، و به شهرهایی که محل تبلور این جریانات بودند، اشاره کردیم به این دلیل است که به بافتار اجتماعی - سیاسی جامعه عربی - اسلامی اشاره کنیم. نسبت نسبت به واحد اجتماعی خویش یعنی «قبیله» پایبند است. البته مدینه که با امام علی (علیه السلام) است خود شامل مصر و عراق نیز می‌باشد.

نکته مشترک این جریان‌ها، علی‌رغم وجوه افتراق زیاد، استفاده از مفهوم و به کارگیری واژه «فتنه» است. امام علی (علیه السلام) جریان‌های بصره، شام و جریان اعتزال‌گرا را مصادیقی از فرو غلتیدن در فتنه می‌دانند. معاویه که داعیه خون‌خواهی عثمان را دارد، جریان مدینه با محوریت امام (علیه السلام) را فتنه می‌خواند. جریان بصره با فتنه خواندن علی (علیه السلام) بر رویارویی نظامی تأکید دارد و این در حالی است که جریان اعتزال‌گرا با محوریت برخی صحابه نظیر عبدالله بن عمر، سعد ابی وقاص و ابوموسی اشعری، شرایط پیش آمده

را به فتنه تعبیر می‌کنند و خود را از عرصه این منازعات خارج می‌کنند، اگر چه به صورت جدی در صحنه دینی - اجتماعی جامعه مسلمانان تأثیر گذاراند. این فضایی است که متون تاریخی از مقطع جنگ جمل پیش روی ما می‌نهند. اگرچه می‌توان بر سیاق نگرشی تک بعدی این چند رویکرد را در یک مدل سامان داد، به این نحو که فتنه واژه‌ای بوده است که با کارکردی سیاسی برای محکوم کردن جریان رقیب استفاده می‌شده است. اما این نحوه مواجه با متون موجب نادیده ماندن مسائلی خواهد شد که ناپیدا بوده‌اند. پس می‌بایست رخداد جمل را به مثابه فورانی از سطوحی که در زیر آن در جریان رفته است دید. توجه صرف به سطح بیرونی این نبرد هم در گفتمان تشیع و هم در گفتمان تسنن سوءفهم‌های جدی‌ای پدید آورده است.

چنان‌که می‌بینیم بررسی فتنه در این چهار جریان واجد پیچیدگی‌های زیادی است از این رو می‌توان، پیچیدگی این فضا را در دو گفتمان اهل سنت و گفتمان تشیع تحویل داد. البته این تحویل خود به مثابه گسترش است. می‌بینیم که عملاً سه جریان بصر، شام و اعتزال‌گرا هر کدام به نحوی - که البته این انحاء قیاس‌پذیر نیستند - در مقابل علی (علیه السلام) قرار می‌گیرند. به دیگر معنی کانون این تحولات مهم امام است. البته نباید چنین پنداشت که هدف ما بررسی این تقابل در میان این دو گفتمان است بلکه در صدد تحدید معانی و کاربردهای مفهوم فتنه در ارتباط با مفاهیم کلان هر گفتمان هستیم. و البته رویکرد ما در این اثر رویکردی ارزشی نیست و در پی اثبات حقانیت یک دیدگاه نیستیم چرا که اساساً رسالت چنین پژوهش نمی‌تواند چنین باشد.

در خصوص تصور امروزی ما از مفهوم فتنه نکته مهم آن است که آن را در ذیل مفاهیم سیاسی و حاکمیتی می‌بینیم، تقریباً این موضوع بدیهی انگاشته می‌شود؛ اما با در نظر گرفتن تاریخ‌مندی این مفهوم به خوبی متوجه می‌شویم که این واژه دارای تطورات و کارکردهایی حتی متباین با کارکرد امروزی در جوامع شیعی نیز بوده است. فتنه در ابتدای امر در گفتمان

سیاسی اهل سنت تثبیت می‌شود و به‌طور جدی مورد توجه قرار می‌گیرد. این در حالی است که در گفتمان تشیع تا پیش از سلطنت شیعی صفویان، فتنه در معانی و کاربردی عقیدتی - دینی مستعمل بوده، اما پس از تشکیل سلطنت مقتدر صفوی، گفتمان تشیع مبتنی بر بایسته‌های خود، این مفهوم را «باز تولید» می‌کند و اگرچه در حوزه نظر و پرداخت فقهی - سیاسی از مبانی شیعی سیراب می‌شود ولی در حوزه عمل و استفاده‌ای که از آن می‌شود، کاملاً مردمی شبیه گفتمان اهل سنت می‌یابد.

صاحب‌الامامه و السیاسة متن دو نامه که میان حسین (ع) و معاویه رد و بدل شد است. چنین می‌آورد: «نامه معاویه برای حسین بن علی: اما بعد، کارهایی که به آگاهی من رسیده است، گمان نمی‌کنم که تو این کارها را انجام داده باشی، تو امری که بیعت کنی مردم به او اقبال می‌کنند و آن نیز تنها به خاطر ارزش و برتری و جایگاه توست که خداوند آن را بالا برده است. تقوای الهی پیشه‌گر و این مردم را به داخل شدن در فتنه وادار نکن، خودت و دینت و امت محمد را در خطر ویران مگردان، مواظب باش آنانی که اهل یقین نیستند تو را خوار و زبون نکنند...» (ابن قتیبه، ۱۳۸۰: ۲۰۸) پاسخ امام: «اما بعد، نامه‌ات را دریافت کردم... طرفداران تو گروه شیطان هستند، گروه تو از دین بیرون رفتگانند و گروه ستمکار و یا از شیطان رانده شده... دین علی بن ابی‌طالب همان دین پسر عموی وی محمد (ص) است. گفته بودی مردم را داخل فتنه نکنم، ولی من فتنه‌ای بزرگ‌تر از امر دین و حکومت تو نمی‌شناسم. گفته بودی به خودت و دینت و امت محمد (ص) نگاه کن، ولی به خدا هیچ چیزی را برتر از جهاد با تو نمی‌دانم...» (ابن قتیبه، ۱۳۸۰: ۲۱۰)

این دو متن در یک اثر آمده‌اند و نه تنها این دو متن که بسیاری از متونی که ما به آن‌ها استناد می‌کنیم از نهج البلاغه گرفته تا متونی نظیر تاریخ طبری و تاریخ یعقوبی در عصری تدوین شده‌اند که فاصله مکان - زمانی زیادی تا مکان - زمان تحقق وقایع صدر اسلام داشته‌اند. می‌بینم که مهمترین متون تاریخی در محدوده زمانی قرن دوم و سوم هجری تدوین شده‌اند. این مسئله

به تنهایی می‌تواند نشان‌دهنده ضعفی باشد که در مطالعات تاریخی وجود دارد. در واقع چارچوب همین دوران که به عصر تدوین مشهور است چنان‌که عابد الجابری نیز تصریح دارد، خود را به پیش و پس از خود به مثابه چارچوبی مرجع تحمیل می‌کند (جابری، ۱۳۸۹: ۸۷-۱۱۰).

مواجهه ما با این متون چگونه است؟ در حالت اول می‌توان با «کیمیا»یی که «ترجمه» در اختیارمان می‌نهد، این متون را از زبان عربی به زبان فارسی برگردانیم. در این مرحله بسیاری از تمایزات و سطوح معرفتی - پدیدآورشی که متن اصلی واجد آن است، محو می‌گردد؛ از این پس با فضایی یکسان، خطی و بدون تشویش روبرو هستیم. اما اگر این متون را با توجه به چارچوب مرجعی که در آن تدوین شده است و با ارجاع به گفتمان‌های نوازنده آن بازاندیشی کنیم، شاهد تبلور تلقی‌های چندگانه و چند بعدی از مفاهیم خواهیم بود که در قیاس با حالت اول تشویش‌آفرین است و ذهن‌های ما که با فرمالیون‌های خطی و تک بعدی عادت دیرینه دارد، این نوع مواجهه را بررسی‌ناپذیر می‌داند.

این اثر در دو بخش و دوازده فصل تنظیم شده است و فصول هر بخش عمیقاً به یکدیگر وابسته‌اند و عدم رعایت ترتیب فصول ایجاد تشویش خواهد نمود. بخش نخست که به فتنه در گفتمان اهل سنت می‌پردازد از شش فصل تشکیل شده است. در فصل اول یا کلیات علامه بر بررسی دلایل اهمیت فتنه در گفتمان اهل سنت، با سیری در متون فقهی - روایی اهل سنت، ابعاد گسترده توجه ایشان به مقوله فتنه را معرفی می‌کند. از سوی دیگر به مطالعات اسلام‌شناسان و مستشرقین برجسته غربی در این حوزه می‌پردازد که از دیرباز نسبت به مفهوم فتنه حساسیت داشته‌اند.

فصل دوم به بررسی معنای فتنه در گفتمان اهل سنت می‌پردازد. در این فصل با نشان دادن دور شدن فتنه از معانی لغوی خود و تبدیل شدن به مفهومی برساخته در تحولات سیاسی، سیر تطورات آن را در نوسان میان رابطه جامعه/حاکم باز می‌یابد.